

احساس بیگانگی: مدل سازی و اندازه گیری برای فضاهای شهری اهواز

مریم آزادبخت^۱، دکتر سعید امان پور^۲، دکتر مصطفی محمدی ده چشمه^۳، دکتر مصطفی جهانی فر^۴

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۶

چکیده:

جدایی مادی و معنوی شهروندان از فضاها و مکان های شهری موجب ایجاد احساس بیگانگی از فضاهای شهری می شود. در این پژوهش سعی شده است به شناسایی ابعاد متفاوت احساس بیگانگی در فضاهای شهری پرداخته شود و مدلی مفهومی از ساختار این احساس در فضای شهر ارائه گردد. در این مطالعه از روش پژوهش آمیخته اکتشافی متوالی، با رویکرد نظریه برخاسته از داده ها استفاده شده است. در فاز کیفی پژوهش ابتدا مؤلفه های اساسی احساس بیگانگی استخراج شدند، و مدل مفهومی از احساس بیگانگی در شهروندان ارائه گردید. سپس به کمک تحلیل عاملی تأییدی سلسله مراتبی داده های تجربی گردآوری شده با ساختار مفهومی برازش داده شد. جامعه آماری پژوهش شهروندان اهواز بودند که به کمک نمونه گیری طبقه ای ۶۱۰ نفر از شهروندان اهواز در پژوهش مشارکت کردند. مدل مفهومی ارائه شده با پنج عامل احساس دل بستگی به فضا، احساس ناکارآمدی فضا، احساس سرزندگی در فضا، احساس ناامنی در فضا، و احساس بی هویتی در فضا تعریف شد. نتایج کمی نشان داد که مدل پیشنهادی برازش مناسب با داده های تجربی دارد و روایی ساختاری آن مطلوب است. تحلیل گروه های چندگانه روی جنسیت نشان داد ضرایب ساختاری و ضرایب همبستگی برای زنان و مردان متفاوت عمل می کنند. پژوهشگران ایده پردازی مفهوم احساس بیگانگی در فضای شهری را به صورت چند بعدی، که مبتنی بر بی هویتی، ناامنی، ناکارآمدی، و عدم سرزندگی می باشد را راهبردی و مفید می دانند و به و برنامه ریزان شهری توصیه می کنند به این احساس و عوامل علی و زمینه ای ایجاد آن در طراحی فضاهای شهری و سیاست گذاری های کلان شهری توجه کنند.

مفاهیم کلیدی: احساس بیگانگی، فضای شهر، مدل سازی ساختاری، اهواز

^۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
m-azadbakht@stu.scu.ir

^۲ دانشیار گروه برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
amanpour@scu.ac.ir

^۳ دانشیار گروه برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
m.mohammadi@scu.ac.ir

^۴ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
m.jahanifar@scu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

بیگانگی عبارت است از جدایی و دوری انسان از دنیای معنوی و مادی خود و دور شدن او و ناتوانی در تغییر واقعیتی که در آن وجود دارد. بیگانگی به معنی عدم پیوند بین محیط ساخته شده و اجزای کالبدی با انسان به عنوان موجودی اجتماعی می‌باشد (Hashem, 2021:2). از دیدگاه جامعه‌شناسان، بیگانگی شهری عبارت است از شکل‌گیری یک نوع وضعیت روحی روانی برآمده از شهر و ویژگی‌های شهری که در آن شهرنشینان نسبت به خود و محیط‌های اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و تاریخی اطرافش احساس جدایی و عدم تعلق می‌کند (Yousefi & et. al, 2018:500). با رشد روزافزون شهرنشینی و تشکیل کلان‌شهرها، جامعه شهری بیش از هر زمانی با مسئله بیگانگی اجتماعی و بیگانگی شهری مواجه گردیده است (Madanipour & et. al, 2021). افزایش جمعیت شهرنشین در طول چند دهه گذشته، هر چند مزایایی برای ساکنان شهرها به ارمغان داشته، بسیاری از شهرها و ساکنان را با مسائل و چالش‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیستی و کالبدی رو به رو ساخته است (Carmen, 2020:32). تداوم این وضعیت موجب فاصله گرفتن شهرها از وضعیت پایداری و تنزل کیفیت زیست و زندگی ساکنان شده است (Mirzahosseini & et. al, 2021:362). در حال حاضر حدود ۵۵ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند (Bin Bishr, 2019:117). رشد شتابان شهر همراه با غلبه فضاهاى مجازى و توسعه الکترونیک در شهرهای مدرن (Mendonca & et. al, 2020:2)، علاوه بر اینکه روابط اجتماعی را در شهرها کاهش و زمینه بیگانگی جمعی را فراهم آورده است که اهمیت اجتماعی مکان و هویت‌های محلی را تضعیف نموده است (Goussous and Tayoun, 2020). اگر چه تجربه احساس بیگانگی در فضای شهرها و مخصوصاً کلان‌شهرها در کشورهای مختلف، تفاوت‌هایی با هم دارند و از این جهت نیز نقش متفاوتی بر حیات شهری دارد لیکن به این دلیل که احساس بیگانگی بخش مهمی از فضای عمومی است و فضای عمومی نیز بخش وسیعی از زندگی شهری است در نتیجه مجال ارتباط و پیوند اجتماعی را برای ساکنان فراهم می‌آورد و تضعیف آن باعث فرسایش انسجام شهر و همچنین سبب عدم مشارکت شهروندان در مسائل شهری و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی چون (کاهش احساس امنیت، وندالیسم اجتماعی، انزوا، عدم اعتماد و ...) می‌گردد.

بی‌توجهی در برنامه‌ریزی شهری به متغیرهایی مثل جنسیت، سن، گروه‌های قومی و ... می‌تواند به افزایش بیگانگی، نابرابری‌های اجتماعی (Zayari & Torkamanniya, 2019)، کاهش شمولیت اجتماعی، تنزل کیفیت زندگی از دیدگاه شهروندان، افول کیفیت محیط در

فضاهای شهری، عدم تضمین حقوق اجتماعی و دسترسی عادلانه به فرصت‌ها و منابع و در نتیجه عدم تحقق عدالت اجتماعی دامن بزند (Hurubeana, 2013). فضاهای شهری اگر چه بسیار بزرگ و برانگیزاننده‌اند، در عین حال سرشار از غریبگی، ناامنی و هراس‌اند. مکتب شیکاگو و پیشینیان آن بر این باورند که شهرها به‌طور ذهنی در حال بیگانگی هستند (Seeman, 1957:784). احساس بیگانگی مانند دیگر سازه‌ها می‌تواند بین مرد و زن تفاوت داشته باشد و شناخت احساس بیگانگی در فضاهای شهری و عوامل بروز آن ضمن اینکه می‌تواند درک ما را از این احساس بالا ببرد با شناخت عوامل تأثیرگذار بر احساس بیگانگی به برنامه‌ریزان و شهرسازان کمک می‌کند که آثار نامطلوب این عوامل را کاهش بدهند و راهکارهایی را برای بهبود این احساس در سطح جامعه ارائه دهند (Adhami, 2018:9).

بررسی پژوهش‌های گذشته نشان داد که شاخص‌ترین بررسی‌ها با موضوع احساس بیگانگی از دیدگاه روانشناسان و جامعه‌شناسان بوده و کلید واژه‌های اصلی در این حوزه عبارت بوده‌اند از: شناسایی و یا انتخاب منابع مرتبط با بیگانگی شهری، تأثیر قوم‌گرایی و زندگی شهری بر بیگانگی، بیگانگی‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه شهری، تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در شکل‌گیری بیگانگی اجتماعی و فرهنگی و همچنین پیامدهای این بیگانگی بوده است. پژوهشگران این مطالعه بر این باور هستند که بیشتر مطالعات تاکنون ضمن داشتن نگاه کلی به موضوع بیگانگی شهری، سعی کرده‌اند با دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه، روانشناسانه و بعضاً فلسفی به این موضوع نگاه کرده، و کمتر به فضا و ساختار شهر، و نقش آن در تشدید احساس بیگانگی توجه کنند. ضرورت این مسأله در حوزه مطالعات شهری، از آن جهت است که به دلیل عدم وجود چارچوب نظری مشخص مربوط به احساس بیگانگی در فضای شهری و همچنین عدم تعریف احساس بیگانگی فضای شهری در منابع قابل دسترس پژوهشگران و منابعی که در برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان منابع معتبر شناخته شده‌اند می‌باشد. برنامه‌ریزی شهری با هدف اساسی برنامه‌ریزی، شهر را در مسیر حرکت مشخص قرار خواهد داد و با مدیریت مناسب فضا سبب کاهش آسیب‌های اجتماعی در فضاهای شهری می‌شود. سؤال اصلی این پژوهش آن است که احساس بیگانگی در فضای شهری چیست و چه مؤلفه‌هایی دارد؟

پیشینه تجربی پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

حمید سرفراز (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه جامعه‌شناسانه خودش با عنوان «شهرنشینی، قومیت و بیگانگی: یک مطالعه چند بعدی از بلوچستان» بیان می‌کند که بیگانگی، پدیده‌ای

روانی - اجتماعی است. بلوچستان، به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. در این پایان نامه ۱۳۷ پاسخ دهنده که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، از آن‌ها مصاحبه صورت گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با سطوح بالای شهرنشینی و بیگانگی در بین اکثریت پاسخ دهندگان، مشخص شد که سطح شهرنشینی دارای سطح بالایی از بیگانگی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چه سطح شهرنشینی بالاتر باشد، سطح بیگانگی بالاتر است.

ادهمی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با «عنوان عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی و فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج» به بررسی میزان بیگانگی اجتماعی و فرهنگی در بین دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن پرداخت. نتایج نشان داد با کاهش قدرت تصمیم‌گیری دانشجویان بر میزان بیگانگی اجتماعی آن‌ها افزوده می‌شود؛ یعنی هر چه دانشجویان از قدرت تصمیم‌گیری کمتری در مورد ادامه تحصیل، نحوه گذراندن اوقات فراغت، انتخاب همسر و انتخاب شغلشان برخوردار باشند بر میزان بیگانگی اجتماعی و فرهنگی در زندگی‌شان افزوده می‌شود. هر چه میزان دینداری دانشجویان در ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی و احساسی بالاتر باشد بر میزان یکپارچگی اجتماعی، نظم و وفاق اجتماعی افزوده شده و از میزان بیگانگی اجتماعی و فرهنگی کاسته می‌شود.

یوسفی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان اشکال بیگانگی شهری در نظر جامعه‌شناسان شهر، به بررسی، شناسایی و گزینش منابع مرتبط با بیگانگی شهری پرداخته است. در مرحله شناسایی، منابع بیگانگی در حوزه‌های فلسفی، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روانشناسی جستجو گردیده است، که فقط در سه حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی و فلسفی منابعی مرتبط در این حوزه شناسایی شده است. نتایج مرور نظام‌مند آرای جامعه‌شناسان شهر درباره بیگانگی شهری بیانگر آن است که بیگانگی شهری پنج نمود عمده دارد: دلزدگی، بی‌سازمانی، پرسه‌زنی، بیگانگی فضایی حاکی از سلطه فضاهای جدید شهری بر انسان و در نهایت بیگانگی جمعی که بر شکل‌گیری فضای جدیدی تحت تأثیر فضای جریان‌ها در جامعه اطلاعاتی دارد که جدایی کامل مردم از تاریخ، فرهنگ، محصولات تولیدی، از اطرافیان و از خود را در بردارد.

ب) تحقیقات خارجی

هاشم سهان (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان «بیگانگی در ساختار شهری و تأثیر آن بر فرد و جامعه»، به این مطلب اشاره می‌کند که بیگانگی ممکن است ارادی یا غیرارادی باشد و بر انسان تحمیل شود. مفهوم بیگانگی در بسیاری از زمینه‌های دانشی مانند زبان، فلسفه،

جامعه‌شناسی و روانشناسی و همچنین رشته معماری که از پدیده‌های دوران مدرن است. پیوند بین محیط ساخته شده و اجزای کالبدی که با انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی حمل می‌کند، الزامات ذهنی و معنوی دارد که عبارتند از: ۱- مؤلفه‌ای که در بر خواهد داشت مورد توجه قرار گیرد و به‌طور جدی رعایت شود که به نوبه خود باعث کاهش مشکلات اجتماعی ناشی از مشکلات و بحران‌های گسست بین انسان و ساختار شهری از طریق ایجاد حس تعلق؛ ۲- بیگانگی شامل اشکال متعددی از جمله فضایی، اجتماعی است و از خود بیگانگی روانی، که همگی منجر به جدایی پیوند بین فرد به‌عنوان یک موجود اجتماعی و مکان به‌عنوان یک محیط فیزیکی می‌شود که منجر به از هم پاشیدگی بافت شهری و شکل‌گیری ساختار شهری متناقض و ایجاد هرج و مرج در فضاهای شهری در حال پوسیدگی می‌شود؛ ۳- ایجاد مشکلات اجتماعی و عدم دستیابی آن‌ها به عملکرد اجتماعی و روانی آن می‌شود. این مطالعه شامل توصیه‌های بسیاری از جمله ارتباط مستقیم بین محیط ساخته شده به‌عنوان یک محصول فیزیکی و انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی با الزامات شخصی و معنوی و برای تسکین اجتماعی، مشکلات و بیماری‌های ناشی از بحران‌های گسست بین انسان و محیط شهری اطراف و همچنین خلاصی از علت‌های واقعی که در پشت احساس بیگانگی وجود دارد. زمانی و ماهان (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان «فضای انتزاعی و بیگانگی عمومی سیاسی فضا در خاورمیانه» با هدف اینکه چگونه فضای انتزاعی دولت - جهانی و به‌طور خاص در بافت شهرهای خاورمیانه سبب ایجاد فضاهای و ناهنجاری‌هایی در شهرها می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهند صرف نظر از این که این استراتژی‌های همگن که به‌طور جهانی اعمال می‌شوند، آنها نمی‌توانند به ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخ دهند و بنابراین - به شیوه‌ای متناقض - ممکن است خود فضای مقاومت و تفاوت ایجاد کنند.

بایرباگ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بحران شهری: محدودیت‌های حاکمیت از بیگانگی» با هدف توسعه یک چارچوب تطبیقی تحلیلی برای بررسی بحران‌های شهری، استدلال می‌کند که نیاز به ایجاد پیوندهای تحلیلی بین «زندگی روزمره و روندهای سیستمی» وجود دارد. بنابراین بینش‌های حاصل از «گزارش‌های خاص» را به هم پیوند می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که بحران‌های شهری به‌عنوان پدیده‌های سیاسی مطرح می‌شود و مفهوم مارکسیستی «بیگانگی» را به مرکز می‌آورد. نتایج نشان می‌دهد که "بیگانگی" به‌عنوان یک مکانیسم جهانی تسهیل‌کننده سرمایه، فرآیند انباشت از طریق سلب مالکیت و به‌عنوان پیامدهای منفی ذهنی - عاطفی سلب مالکیت، برای ایجاد آن پیوندهای

تحلیلی مفید می‌باشند. در نهایت ساختار و نظام سیاسی شهری، که در آن، از خود بیگانگی و بیگانگی به وجود می‌آید.

کرستانی و رودریگز آلوز (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «فضای عمومی، معانی از همه جا و هیچ کجا: شرایط فضایی بیگانگی؟» در مطالعات خود به این موضوع می‌پردازند که فضای عمومی - به‌عنوان میدانی از اعمال روزمره - بین نیروهای جهانی و محلی مبارزه می‌کند که تمایل به تغییر شکل مناظر خاص دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند که هم افراط در شرایطی که افراد را از ویژگی‌های خاص محلات جدا می‌کند (به‌عنوان یک زمینه مشترک واقعی تجربه) و نیز اشکال همگن مصرف برنامه‌ریزی شده و تضعیف نظام‌های سیاسی یعنی اقداماتی که انضباط اجتماعی را تحمیل می‌کند و بر حس تقدم فضای عمومی شهری تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه آن‌ها، این انحلال، محیط شهری و فضای عمومی را ایجاد می‌کند که دیگر همتای فیزیکی آن نیست که سبب از بین رفتن اشکال جمعی زندگی، یا حتی کاهش ارزش «عمومی»، که از نظر اوژ «نقاط کور» یا فضایی را ایجاد می‌کند، شرایطی که باعث بیگانگی بین شهر و شهروندان می‌شود.

ژلینینا (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «فضاهای عمومی به‌عنوان فضاهای ترس و بیگانگی؟ جوانان در فضاهای عمومی در سن پترزبورگ، روسیه» بر اثرات منفی فضای عمومی در یک شهر در حال گذار، مانند طرد اجتماعی و بیگانه‌هراسی در بین جوانان تمرکز دارد. این تحقیق در دو محله در سن پترزبورگ (کوپچینو «منطقه خواب» دوران شوروی، با مناطق باز بزرگ، آبودنی کانال، منطقه مسکونی از اوایل قرن بیستم با ساخت و ساز متراکم و مناطق باز کوچک، عمدتاً حیاط‌های داخلی) انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که تفاوت احتمالی در ادراک و استفاده از مکان در بین جوانان با پیشینه اجتماعی متفاوت و همچنین تأثیر محیط ساخته شده و سیستم برنامه‌ریزی بر درک فضای عمومی، بر اساس مشاهده در فضاهای عمومی و مصاحبه با جوانان محلی، که در مورد فضاهای باز بزرگ و برخوردهای دائمی با "دیگران" با تلقی از محله به‌عنوان خصمانه و با خلق و خوی بیگانه‌هراسی در بین جوانان مطابقت دارد. فضای عمومی باز به مردم اجازه می‌دهد تا تنوع اجتماعی - قومی را مشاهده کنند. با این حال، این هیچ حس اجتماعی را ایجاد نمی‌کند. برعکس، در فضای ناشناس منطقه باعث افزایش ترس می‌شود.

مبانی نظری

احساس بیگانگی

احساس بیگانگی به معنای کنش‌ها یا فرایندهای معینی است که موجب احساس انزوا یا غریبگی یا احساس غیر همدلانه و خصمانه یک فرد می‌شود. در تعریف دیگر، احساس بیگانگی به معنای احساس غریبگی، فقدان حمایت اجتماعی یا پیوند اجتماعی معنادار به کار برده می‌شود. بنابراین احساس بیگانگی به معنای تجربه‌ای است که موجب می‌شود شخص خود را همچون فردی بیگانه احساس کند. این بیگانگی به دو صورت بیگانگی از محیط که بیانگر پدید آمدن خلاء میان انسان و محیط زندگی اوست و بیگانگی از خود که حاکی از بیگانگی انسان نسبت به خود و توانایی‌های خویش است، متجلی می‌شود (Adhmi, 2018:9). ملوین سیمن بیگانگی اجتماعی را نوعی احساس یا وضعیتی می‌داند که هر فرد در رابطه با خود دیگران و جامعه از خود بروز می‌دهد، وی ضمن این تعریف از بیگانگی، صور و انواع تظاهرات رفتار بیگانه‌گونه را در پنج نوع احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس انزوای اجتماعی، احساس بی‌معنایی و احساس تنفر از خویشان نشان داده است (Seeman, 1957:784).

بیگانگی شهری

گسترش شهرنشینی موجب شکل‌گیری برخی از آسیب‌های اجتماعی شده است که بیگانگی شهری از جمله این آسیب‌هاست. به طوری که عدم انطباق و بی‌قاعدگی در فرم، فضا و عملکرد محیط کالبدی و فیزیکی، مسائل و مشکلات محیط اجتماعی، تنگناهای محیط فرهنگی و نمادین شهر که محصول توسعه شهرنشینی است، باعث بیگانگی شهرنشینان در شهر، و انزوا و عدم تعلق آنان نسبت به حیات شهری شده است. به عبارت دیگر، روابط اجتماعی و شیوه‌های زندگی در فضای شهری از یک‌سو، و نقش نمادین فضاهای کالبدی در شهرها از سوی دیگر، انسان شهرنشین را بیش از پیش نسبت به خود، دیگران و محیط بیگانه کرده است (Yousefi & et. al, 2018).

جدول ۱: گزاره‌های نظری بیگانگی شهری به تفکیک صاحب‌نظران

Table 1: Theoretical Propositions of Urban Alienation by Experts

شکل بیگانگی	گزاره‌های نظری	نظریه‌پرداز
Form of Alienation	Theoretical Propositions	Theorist
دلزدگی	<p>۱- شهرنشینان به اشکال مختلف نیاز خود را در شهر برطرف می‌سازند</p> <p>۲- اشکال مختلف تأمین نیاز (کنش) تحت تأثیر اندازه شهر است</p> <p>۳- اندازه شهر، تحریکات عصبی را در محیط شهر افزایش می‌دهد</p> <p>۴- با افزایش تحریکات عصبی، توان پاسخگویی سیستم عصبی شهرنشینان تضعیف می‌گردد</p> <p>۵- با تضعیف سیستم عصبی، افراد ناگزیر به واکنش انتخابی (عقلانی) به محرک‌ها می‌شوند</p> <p>۶- واکنش انتخابی به تحریکات عصبی محیط شهری، باعث دلزدگی شهرنشینان می‌شود</p>	<p>زیمل (۱۸۸۵- ۱۹۱۸)</p>
پرسه‌زنی	<p>۱- شهر به مثابه یک متن فرهنگی با ویژگی تماس‌های کوتاه، احساسات گذرا و اطلاعات پراکنده است</p> <p>۲- ویژگی‌های متنی شهر، تجارب فردی متفاوتی را در بین شهرنشینان رقم می‌زند</p> <p>۳- تجارب فردی شهرنشینان، باعث خوانش‌های سطحی، گذرا و عاری از تفسیر از متن فرهنگی شهر می‌شود</p> <p>۴- خوانش سطحی، گذرا و عاری از تفسیر موجب عبور سریع و پرسه‌زنی در شهر می‌شود</p>	<p>بنیامین (۱۸۹۲- ۱۹۴۰)</p>
بی‌سازمانی اجتماعی	<p>۱- با افزایش اندازه، تراکم و ناهمگونی اجتماعی فرهنگی در شهر، روابط شهرنشینان در گروه‌های اولیه تضعیف و عضویت آن‌ها در گروه‌های ثانویه تقویت می‌گردد.</p> <p>۲- عضویت در گروه‌های ثانویه متعدد و متفاوت و متناقض سبب می‌شود، شهرنشینان در نقش‌های اجتماعی متفاوتی و متناقض ایفای نقش نمایند.</p> <p>۳- ایفای نقش‌های متفاوت سبب شکل‌گیری هویت‌های متفاوت و متناقض در شهرنشینان می‌شود</p> <p>۴- شکل‌گیری هویت‌های متفاوت و متناقض شهری اشکال مختلفی از بی‌ثباتی شخصیت را به وجود می‌آورد</p> <p>۵- بی‌ثباتی شخصیتی و شکل‌گیری هویت‌های ناقص در شهرنشینان سبب بروز اختلالات روانی، خودکشی، هرج و مرج اخلاقی و بی‌سازمانی می‌شود</p>	<p>ویبرث (۱۹۰۲- ۱۹۵۲)</p>

شکل بیگانگی	گزاره‌های نظری	نظریه‌پرداز
<i>Form of Alienation</i>	<i>Theoretical Propositions</i>	<i>Theorist</i>
بیگانگی فضایی	<p>۱- نظام سرمایه‌داری مدرن، سود خود را در تولید انبوه فضاهای مصنوع شهری با ارزش‌ها (قیمت)، الگوها و کارکردهای متفاوت جستجو می‌کند</p> <p>۲- تولید انبوه فضا در الگوها، کارکردها و ارزش‌های متفاوت سبب تفکیک و گسترش فضاهای متفاوت و متناقض در شهر می‌شود</p> <p>۳- تفکیک و گسترش فضاهای متفاوت و متناقض شهری مانع شناخت شهرنشینان از الگوهای متفاوت و متناقض فضاهای شهری می‌شود</p> <p>۴- عدم شناخت یا نقص در شناخت از الگوهای متناقض فضاهای شهری سبب احساس جدایی و عدم تعلق شهرنشینان نسبت به فضاهای شهری در مواجهه با فضا می‌شود</p>	لوفور (۱۹۰۲- ۱۹۹۱)
بیگانگی فضایی	<p>۱- سرمایه‌داری صنعتی به دلیل میل بی‌وقفه به سودآوری، به دنبال تولید فضاهای جدید شهری است</p> <p>۲- تولید فضاهای جدید شهری بر اساس منطق نظام سرمایه‌داری تولید انبوه، الگوهای متفاوت و ارزش‌ها متفاوت سبب عدم کنترل شهرنشینان بر تولید فضاهای جدید می‌شود</p> <p>۳- عدم کنترل شهرنشینان بر تولید فضاهای جدید از یک سو، و گسترش فضاهای متفاوت شهری ناشی از منطق نظام سرمایه‌داری از سوی دیگر، مانع شناخت شهرنشینان از فضاهای شهری می‌شود</p> <p>۴- عدم شناخت یا نقص شناخت از فضاهای مصنوع شهری، منجر به کاهش حس تعلق به مکان می‌شود</p>	هاروی (۱۹۳۵)

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش آمیخته است که به روش کیفی - کمی اکتشافی متوالی انجام گرفته است، در بخش کیفی به کمک روش برخوردارانه از داده‌ها، عامل‌های مهم احساس بیگانگی در فضای شهر تعیین شده و پس از آن به کمک تحلیل عاملی تأییدی این مدل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه روش نمونه‌گیری، شیوه اکتشاف عامل‌ها، و روش تحلیل عاملی تأییدی ارائه خواهد شد.

نمونه و روش گردآوری اطلاعات

به دلیل محدودیت‌های ناشی از بحران دنیاگیری ویروس کرونا^۱، پژوهشگران به کمک نمونه‌گیری طبقه‌ای ۶۱۰ نفر از شهروندان اهواز را انتخاب کرده‌اند. جمعیت شهر اهواز مطابق با گزارش معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری آن شهر تا سال ۱۴۰۱ عددی بالغ بر ۱۳۰۰۰۰۰۰۰ نفر است، که مناطق یک تا هشت شهرداری اهواز به ترتیب ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۳، ۹، ۱۴، ۱۲، و ۱۶ درصد از جمعیت کل شهر را تشکیل می‌دهند. معیار انتخاب افراد سن بالای ۱۸ سال و سکونت بیش از ۵ سال در محله‌های شهر اهواز بوده است. پژوهشگران سعی داشتند از مناطق هشت‌گانه افراد به نسبت جمعیت منطقه افراد را انتخاب کنند. جدول ۲ مشخصات نمونه انتخابی را نمایش داده است. زنان ۳۳۵ نفر (۵۴٪) و مردان ۲۷۵ (۴۶٪) از افراد نمونه را شامل می‌شدند.

جدول ۲: نمونه انتخاب شده از شهر اهواز به روش طبقه‌ای سهمیه‌ای

Table 2: Sample Selected From Ahvaz City Using a Stratified Quota Method

مناطق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سهم در جمعیت اهواز	٪۱۲	٪۹	٪۱۵	٪۱۳	٪۹	٪۱۴	٪۱۲	٪۱۶
تعداد در نمونه	۷۳	۵۵	۹۲	۷۹	۵۵	۸۶	۷۲	۹۸

ابزار پژوهش

ابزار اصلی این پژوهش "پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهری" است که بر مبنای مدلی با همین نام در دو قسمت و به صورت خود اظهاری طراحی^۲ شده است. قسمت ابتدایی شامل معرفی ویژگی‌های پرسشنامه و راهنمایی‌هایی برای پاسخگویی به سؤال‌ها است، که در ادامه از شهروندان درباره اطلاعات تحصیلی و جمعیت‌شناختی آن‌ها پرسش می‌شود. قسمت دوم شامل سؤال‌هایی است که هدف آن سنجش احساس بیگانگی در فضای شهری است. عامل‌های این پرسشنامه مبتنی بر مؤلفه‌های مدل مفهومی ارائه شده از احساس بیگانگی در فضای شهری است. این پرسشنامه شامل ۳۵ سؤال می‌باشد که به ترتیب ۶ سؤال برای احساس ناامنی در فضا، ۵ سؤال برای احساس بی‌هویتی در فضا، ۷ سؤال احساس

¹ coronavirus pandemic

² self-completion

ناکارآمدی فضا، ۶ سؤال احساس نبود سرزندگی محیطی، ۶ سؤال برای نداشتن دلبستگی مکانی طراحی شد. ۵ سؤال هم احساس بیگانگی به‌طور عام را می‌سنجید.

قابلیت اجرایی، هماهنگی شکل و سبک، قابلیت خوانده شدن، گویایی، و وضوح زبان پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهری از طریق روایی صوری مورد بررسی قرار گرفت. نویسندگان از ۳۰ شهروند (جدا از نمونه اصلی) تقاضا کرد که با دو معیار: (۱) وضوح و روانی عبارت‌ها و جمله‌های استفاده شده در پرسشنامه، (۲) اینکه آیا شهروندان در سطح آن‌ها می‌توانند به سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهند، به هر کدام از سؤالات در مقیاس ۱ تا ۵ امتیاز دهند. از شاخص نمره تأثیر سؤال^۱ برای بررسی روایی صوری پرسشنامه استفاده شد (Lacasse & et. al, 2002). برای محاسبه این شاخص نسبت افرادی که به سؤال نمره ۴ یا ۵ داده‌اند در میانگین نمره کسب شده برای هر سؤال ضرب می‌شود، اگر فراوانی نسبی مورد انتظار برای گزینه ۳، ۵۰ درصد در نظر گرفته شود، مقدار قابل قبول این شاخص برای تأیید روایی صوری هر گویه مقادیر ۱/۵ و بالاتر از آن است (Colton & Covert, 2015). پژوهشگر از ۲۰ کارشناس برنامه‌ریزی شهری، که بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس یا سیاست‌گذاری شهری دارند در مورد ارتباط هر کدام از سؤالات با عامل‌ها، و اینکه آیا هر سؤال نشانگر مناسبی برای عامل هست و یا نیست اظهار نظر کنند. کارشناسان به هر سؤال نمره ۱ تا ۴ دادند. عدد ۱ به معنی نا مرتبط بودن سؤال، عدد ۲ سؤال مرتبط است اما احتیاج به بازنگری کلی دارد، عدد ۳ سؤال مرتبط است اما احتیاج به بازنگری جزئی دارد و عدد ۴ یعنی سؤال کاملاً مرتبط است. پس از جمع‌آوری نظرها برای تعیین روایی محتوا از شاخص روایی محتوا^۲ استفاده شد.

شاخص روایی محتوایی سؤال^۳: برابر نسبت افراد کارشناس است که به گویه نمره ۴ و ۳ دادند به کل کارشناسان که سؤال را بررسی کرده‌اند. این شاخص می‌تواند اعداد بین ۰ تا ۱ را در برگیرد، که البته مقادیر زیر ۰/۷ باعث رد شدن گویه، مقادیر بین ۰/۷ تا ۰/۷۹ احتیاج به بازنگری و مقادیر بالای ۰/۷۹ قابل قبول هستند (Halek & et. al, 2017).

نمره هر سؤال از ۱ تا ۵ قابل تغییر است، نمره فرد در هر عامل از جمع نمره سؤال‌های تشکیل‌دهنده آن به دست می‌آید، کمترین نمره در هر عامل برابر حاصل ضرب تعداد سؤال‌های عامل در عدد یک است و بیشترین نمره هر عامل برابر حاصل ضرب تعداد

¹ item impact score

² Content Validity Index (CVI)

³ Item Content Validity Index (I-CVI)

سؤال‌های هر عامل در عدد ۵ است. برای تفسیرپذیری بهتر نمره‌ها، جمع‌پذیر شدن نمره عامل‌ها با یکدیگر و گزارش نمره احساس بیگانگی در فضای شهری به صورت جمع نمره عامل‌های تشکیل‌دهنده آن، نمره‌های خام عامل‌ها به نمره استاندارد Z تبدیل شدند (رابطه ۱ را ببینید).

$$z = \frac{x - \bar{x}}{s} \quad (1)$$

در رابطه ۱، X نمره خام فرد در هر عامل، \bar{x} میانگین نمره‌های خام افراد در هر عامل و S انحراف استاندارد نمره‌های خام افراد در هر عامل است. با تبدیل خطی نمره Z به صورت $۳/۳۳Z+۱۰$ نمره همه عامل‌ها به مقیاس مشترکی تبدیل خواهند شد. در مقیاس تازه نمره عامل، کمترین نمره صفر و بیشترین نمره ۲۰ خواهد بود. با جمع نمره مقیاس عامل‌ها، نمره احساس بیگانگی در فضای شهر که عددی بین صفر تا ۱۲۰ خواهد بود، بدست می‌آید. نمره بالاتر در این مقیاس به معنای بالا بودن احساس بیگانگی نسبت به فضای شهر است.

تحلیل‌های آماری

تحلیل آماری در ساخت و برازش مدل

برای برآورد پارامترهای مدل احساس بیگانگی در فضای شهری از روش تکرار شونده با بیشینه درست‌نمایی اطلاعات کامل استفاده شد، این تحلیل در محیط مدل‌سازی معادلات ساختاری نرم‌افزار لیزرل^۱ نسخه ۸.۸ انجام گرفت. برازش کلی مدل به کمک آماره مربع خی و سایر شاخص‌های برازش که حساسیت کمتری به اندازه نمونه داشتند بررسی شد. این شاخص‌ها سه دسته مهم شاخص‌های برازش مدل ساختاری را شامل می‌شوند: شاخص‌های برازش مطلق^۲، شاخص‌های برازش افزایشی^۳ و شاخص‌های برازش ایجاز^۴. از میان شاخص‌های برازش مطلق: شاخص‌های مربع خی^۵، نیکویی برازش اصلاح شده^۶ و ریشه میانگین مربعات باقیمانده^۷، همین‌طور از میان شاخص‌های برازش تطبیقی: شاخص

^۱ Lisrel 8.8

^۲ Absolute fit indices

^۳ Incremental fit indices

^۴ Parsimony fit indices

^۵ Chi-Square

^۶ Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

^۷ Root Mean Squared Residual (RMR)

برازش تطبیقی^۱، و شاخص توکر - لوییس (شاخص برازش هنجار نشده)^۲، و از میان شاخص‌های ایجاز: شاخص‌های مربع خی بهنجار شده^۳، شاخص برازش مقتصد هنجار شده^۴ و ریشه میانگین مربعات برآورد^۵ گزارش خواهند شد (Kline, 2016). در مورد نحوه محاسبه شاخص‌ها و همچنین مقادیری از آن‌ها که برازش مطلوب مدل را در پی خواهند داشت، راهنمایی‌های لازم را ارائه کرده است (Mulaik, 2009). مولایک (۲۰۱۰) و کلاین (۲۰۱۶)، مقادیر کوچک شاخص مربع خی به همراه مقادیر بزرگ سطح معناداری را برای برازش مدل مطلوب ارزیابی کرده‌اند، اما به دلیل حساسیت بالای این شاخص به حجم نمونه، شاخص‌های دیگر نیز بررسی می‌شوند. در این پژوهش مطابق نظر مولایک و کلاین مقدار مطلوب شاخص‌ها عبارتند از: $AGFI > 0/9$ ، $RMR < 0/08$ ، $CFI > 0/9$ ، $TLI > 0/95$ ، $PNFI > 0/5$ و $RMSEA < 0/08$.

پس از ارزیابی شاخص‌های برازش مدل، روایی ساختاری^۶، از طریق (۱) بررسی همسانی اندازه‌های مدل (مثلاً اندازه بارهای عاملی) و همسانی ساختار مدل (مثلاً و کوارینانس بین عوامل) در بین زیر گروه‌ها (زنان و مردان) و (۲) بررسی روایی همگرا مورد سنجش قرار می‌گیرد. روایی همگرا زمانی حاصل می‌شود که تمام بارهای عاملی موجود در یک مدل اندازه‌گیری از نظر آماری معنادار باشند. از طریق میانگین واریانس استخراج شده (AVE) می‌توان روایی همگرا را تأیید کرد، برای دستیابی به روایی مطلوب، مقدار AVE باید بیشتر یا برابر با ۰/۵ باشد (Bagozzi & Yi, 1988).

روایی متقاطع^۷ در ابتدا با قرار دادن گروه مردان به‌عنوان گروه معیار^۸ و گروه زنان به‌عنوان گروه اعتبار^۹ و محاسبه شاخص اعتبار متقاطع ECVI و پس از آن گروه مردان به‌عنوان گروه اعتبار و گروه زنان به‌عنوان گروه معیار و محاسبه مجدد شاخص اعتبار متقاطع مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقادیر کوچک‌تر شاخص اعتبار متقاطع نشان از برازش بهتر مدل معیار دارند (Schumacker & Lomax, 2017). پایایی سازه از طریق شاخص پایایی

¹ Comparative Fit Indices (CFI)

² Tucker-Lewis or Non-Normed Fit Index (TLI or NNFI)

³ Normed Chi-square

⁴ Parsimonious Normed Fit Index (PNFI)

⁵ Root mean squared error of approximation (RMSEA)

⁶ Structural validity

⁷ cross-validation

⁸ calibration group

⁹ validation group

ترکیبی^۱ که توسط *Bacon, Saur and Young (1995)* پیشنهاد شده است، برای هر عامل محاسبه و گزارش شد. مقادیر پایایی سازه بیش از ۰/۷ برای هر عامل مطلوب ارزیابی می‌شوند.

تحلیل کیفی داده‌ها

در این پژوهش برای طراحی سازه‌های مدل و انتخاب عامل‌های احساس بیگانگی در فضای شهر از مصاحبه‌هایی که از ۲۱ نفر از سیاست‌گذاران، پژوهشگران و برنامه‌ریزان حوزه شهری صورت گرفته، استفاده شد. مصاحبه‌های ساختاریافته و هدایت شده برای اکتشاف عامل‌های احساس بیگانگی پس از پیاده‌سازی به‌صورت متن به روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفتند. شکل ۱، مراحل تحلیل داده‌های مصاحبه را نمایش می‌دهد.



شکل ۱: مراحل انجام تحلیل کیفی برای ارائه مدل مفهومی حق به شهر زنان ایران

Figure 1: Steps in Conducting a Qualitative Analysis to Present a Conceptual Model of the Right to the City for Iranian Women

آماده‌سازی داده‌ها شامل دو مرحله مهم بود. در مرحله انتخاب واحد تحلیل مصاحبه‌های ضبط شده به فرمت متنی تبدیل شد. کلیه مصاحبه‌ها کلمه به کلمه به‌صورت متن درآمد و متن پیاده شده مصاحبه‌ها به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد. متن مصاحبه به‌عنوان یک واحد آنالیز، وارد نرم‌افزار مکس کیو دی ای گردید. همچنین در این مرحله واحدهای معنایی (جملات یا پاراگراف‌هایی از متون مصاحبه) در متن مصاحبه‌ها مشخص شد. مرحله دوم تحلیل محتوا سازماندهی مطالب بود. در این مرحله ماتریس تحلیل ایجاد شد و استخراج

¹ composite reliability

داده‌ها از محتوای مصاحبه‌ها بر اساس طبقات اولیه (در قسمت نتایج ببینید) موجود در ماتریس صورت گرفت، و سپس مراحل گروه‌بندی، طبقه‌بندی و انتزاع انجام شد. داده‌ها چندین بار برای یافتن محتوایی که با طبقات از قبل مشخص شده مطابقت داشته و یا می‌توانستند مثالی برای آن‌ها باشند مرور و کدهای اولیه به آن‌ها اختصاص داده شد. به این ترتیب کدهای به واحدهای معنایی دیگر که با طبقات اصلی مرتبط نبوده ولی با مفهوم احساس بیگانگی مرتبط بودند نیز صورت گرفت. سپس بر اساس ارتباط مفهومی و منطقی امکان جایگذاری این طبقات در طبقات اصلی موجود در ماتریس، و یا شکل‌گیری طبقات اصلی جدید بررسی شد. برای شروع فرآیند کدگذاری داده‌ها، طبقات اصلی موجود در ماتریس تحلیلی به کمک پیشینه نظری پژوهش تعریف و سپس بر اساس این تعاریف قواعد دقیق کدگذاری مشخص شدند. مرحله پایانی تحلیل محتوا گزارش‌دهی است، در این مرحله ضمن معرفی طبقه‌های اصلی احساس بیگانگی در فضای شهری، طبقه‌های فرعی آن به همراه مدل مفهومی به منظور نمایش بهتر ارائه خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در سه بخش مجزا ارائه شده است. بخش اول ارائه مدل مفهومی برخواسته از داده‌های گردآوری شده در پژوهش است و بخش دوم به برآورد پارامترهای مدل احساس بیگانگی در فضای شهری می‌پردازد؛ در این بخش به ارائه مقادیر شاخص‌های برازش مدل پرداخته و در انتهای آن روایی مدل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بخش پایانی نیز به یافته‌های مربوط به ویژگی‌های روان‌سنجی و مراحل ساخت پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهری اختصاص داده شده است.

مدل مفهومی احساس بیگانگی در فضای شهری

به کمک تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، عوامل مختلفی را که بر احساس بیگانگی شهروندان از فضای شهری دارند در جدول ۳ طبقه‌بندی و تعریف شده‌اند.

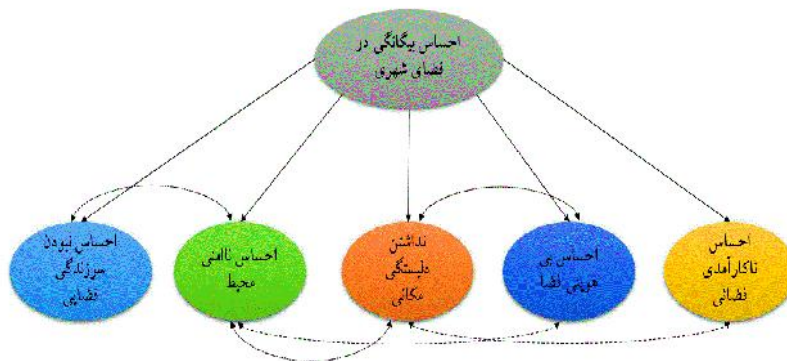
جدول ۳: عامل‌های احساس بیگانگی در فضاهای شهری

Table 3: Factors of Feeling Alienated in Urban Spaces

طبقه اصلی	تعریف	طبقه‌های فرعی
Main Class	Definition	Subclasses
ناکارآمدی فضایی	بافت‌های ناکارآمد شهری پهنه‌هایی از شهر هستند که در مقایسه با سایر پهنه‌های شهر از جریان توسعه عقب‌افتاده، از چرخه تکاملی حیات جدا گشته و به کانون مشکلات و نارسایی‌ها در آمده‌اند	املاک متروکه و مخروبه، اراضی بایر داخل شهر، محوطه‌های آلوده و رها شده، تأسیسات رها شده، ایستگاه راه‌آهن غیر فعال و پمپ بنزین متروکه، کاربری‌های ناسازگار (ناسازگاری با کاربری‌های همجوار، ناسازگاری زیست‌محیطی، ناسازگاری از شیوه منظر شهری)
بی‌هویتی فضا	منظور از ادراک هویت فضا، فرآیندهای بنیادین رفتار و ماهیت انسان (شناخت، عاطفه و ارگانیزم، شخصیت، وابستگی اجتماعی و فرهنگی)، ماهیت محیط (قابلیت، اطلاعات ادراکی، مفهوم، و تصویر ذهنی)، تشخیص همگرایی هویت اجتماعی و فضایی در محیط شهری از طریق شناخت رابطه عمیق توأم با درک منطقی، تعلق و وابستگی به مکان می‌باشد. بعد جغرافیایی شهر خود از عوامل مهم هویت دهنده به حساب می‌آید	نداشتن حس مکانی، نبود اصالت و معنا در محیط، نبود اطلاعات ادراکی، عدم مفهوم فضا، از بین رفتن نماها و نشانه‌های خاطره‌انگیز، عدم شفافیت مکانی، عدم سازگاری، خوانایی و ساختاری
نداشتن دل‌بستگی مکانی	دل‌بستگی مکانی، پیوندی میان شخص و محیط است که ابعاد مختلف انسانی و مکانی آن از ویژگی‌های خاصی نیز برخوردار است. اگر چه ابعاد دل‌بستگی مکانی وابستگی بسیاری به مسایل اجتماعی دارد؛ اما در ابعاد مکانی آن می‌توان قابلیت‌هایی را ارائه نمود که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فضاهای عمومی در شهرها نیز مورد استفاده قرار گیرد	دسترسی‌ها: کمبود دسترسی سواره، نامنظم بودن سلسله مراتب دسترسی ضعیف بودن ایمنی، دید منفی منظر از درون به بیرون و از بیرون به درون مکان، ضعف در طرح کالبدی و چیدمان فضاها، پایین بودن سطح آسایش اقلیمی و زیست‌محیطی، کمبود فضای سبز و پوشش گیاهی

طبقه اصلی	تعریف	طبقه‌های فرعی
Main Class	Definition	Subclasses
احساس ناامنی محیط	احساس امنیت عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام‌بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و آتی است	وجود فضاهای بی‌دفاع در شهر، عدم نورپردازی مناسب و تاریکی فضا، آلودگی محیطی، نبود المان‌های اطلاعاتی، عدم دسترسی به حمل و نقل عمومی، وجود فضاهای بی‌کران و خالی و اضطراب‌آور، خیابان‌های شلوغ و مملو از جمعیت
نبودن سرزندگی	فضای سرزنده که در دامنه وسیعی از روز، انواع افراد به اختیار خود و یا به اجبار به آنجا آمده و لحظات را در فضا سپری نمایند؛ به عبارت دیگر؛ یعنی فضا باید به گونه‌ای باشد که مردم بیایند و بمانند و سرزندگی و پویایی در فضا صورت گیرد	عوامل کالبدی: عدم فضای سبز مناسب، عدم وجود امکانات رفاهی (سطل زباله، توالت عمومی و ...)، عدم وجود نشیمنگاه‌ها، نبود فواره‌ها و آب نماها، کمبود فضای پارکینگ عوامل فضایی (پیوندهای فضایی): عدم پیوند و اتصال شبکه دسترسی و حمل و نقل، عدم پیوند و اتصال کاربری‌ها و عملکردها، عدم پیوند و اتصال توده و فضا

بر اساس یافته‌های جدول ۳ مدل مفهومی، برای تعریف احساس بیگانگی در فضای شهری تدوین گردید. شکل ۲ مدل مفهومی احساس بیگانگی در فضای شهری را نمایش می‌دهد.



شکل ۲: مدل مفهومی احساس بیگانگی در فضای شهری

Figure 2: Conceptual Model of the Feeling of Alienation in Urban Space

همان‌طور که در شکل ۲ ملاحظه می‌کنید، احساس بیگانگی در فضای شهری ساختاری زیربنایی است که قادر است، احساس‌هایی همچون ناکارآمدی فضای شهر، بی‌هویتی فضای شهر، نداشتن دلبستگی مکانی، و احساس ناشی از ناامنی، و سرزندگی شهری را تبیین کند. خطوط مستقیم تبیین علی و خطوط خط چین ارتباط بین سازه‌ها را به نمایش گذاشته است. از مدل مفهومی ارائه شده چنین برداشت می‌شود که احساس بیگانگی در فضای شهری به عنوان ساختار زیربنایی قادر است به تبیین عواملی همچون احساس ناکارآمدی، احساس بی‌هویتی، دلبستگی مکانی، ناامنی و سرزندگی فضا پرداخته و از طرفی احساس‌هایی که به نوعی معلول احساس بیگانگی از فضای شهر هستند از یکدیگر جدا نبوده و ارتباط نزدیکی با هم دارند، مانند احساس ناامنی فضا که با دلبستگی فضایی و سرزندگی فضایی مربوط است.

برآورد پارامترها و شاخص‌های برازش مدل احساس بیگانگی در فضاهای شهری

داده‌های تجربی فاقد مقادیر از دست رفته است. مقدار کشیدگی همه متغیرهای مشاهده‌پذیر بین $-0/31$ و $0/42$ بوده و مقدار چولگی آن‌ها بین $0/63$ تا $1/67$ است. کلاین (2016)، توصیه می‌کند شاخص چولگی و کشیدگی متغیرها بر انحراف استاندارد آن‌ها تقسیم شده و نسبت بدست آمده همچون توزیع طبیعی استاندارد Z مورد تفسیر قرار گیرد. در هیچکدام از متغیرها در سطح معناداری $0/01$ نسبت‌ها از $2/58$ بزرگ‌تر نبودند این نشان از عدم چولگی و کشیدگی داده‌ها داشته و نرمال بودن آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. پاسخ‌ها به لحاظ نبودن داده‌های پرت نیز واریس شدند، فاصله ماهالانوبیس D به‌عنوان شاخص بررسی داده‌های پرت چند متغیری استفاده شد (*Tabachnik and Fidel, 2019*). مقدار D به دست آمده برای پاسخ‌ها به این پرسشنامه در سطح $P < 0/001$ معنادار نبود.

نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸.۸ به روش بیشینه درست‌نمایی برآورد بارهای عاملی مدل را برآورد کرد. در این روش تکرارشونده همه فرآیندهای برآورد همگرا شد و مقادیر بار عاملی معنادار و مثبت بودند. مقادیر بار عاملی بین $0/51$ تا $0/89$ تغییر می‌کنند و خطای استاندارد برآورد هیچکدام بیش از $0/06$ نبود و در سطح معناداری $0/01$ همه بارهای عاملی معنادار هستند. شکل ۱ مدل ساختاری و اندازه‌گیری را برای تحلیل عاملی تأییدی مدل احساس بیگانگی در فضای شهری را نمایش می‌دهد. جدول ۴ مقادیر بارهای عاملی را نمایش می‌دهد، نام متغیرها مخفف است.

جدول ۴: بارهای عاملی سؤال‌های پرسشنامه احساس بیگانگی از فضای شهری

Table 4: Factor Loadings of Questions in the Questionnaire on Feeling of Alienation from Urban Space

بار عاملی	متغیر	بار عاملی	متغیر	بار عاملی	متغیر
Load Factor	Variable	Load Factor	Variable	Load Factor	Variable
۰/۷۱(۰/۰۶)	LII	۰/۵۹(۰/۰۳)	PA1	*۰/۸۷(۰/۰۳)	AL1
۰/۷۵(۰/۰۵)	LI2	۰/۷۴(۰/۰۴)	PA2	۰/۷۵(۰/۰۴)	AL2
۰/۶۵(۰/۰۶)	LI3	۰/۶۹(۰/۰۶)	PA3	۰/۶۵(۰/۰۳)	AL3
۰/۸۵(۰/۰۴)	LI4	۰/۵۳(۰/۰۲)	PA4	۰/۶۴(۰/۰۵)	AL4
۰/۶۳(۰/۰۴)	LI5	۰/۶۵(۰/۰۳)	PA5	۰/۷۲(۰/۰۵)	AL5
۰/۸۹(۰/۰۳)	VIT1	۰/۶۲(۰/۰۵)	PA6	۰/۷۵(۰/۰۴)	ES1
۰/۶۴(۰/۰۶)	VIT2	۰/۶۸(۰/۰۵)	LS1	۰/۶۵(۰/۰۶)	ES2
۰/۸۲(۰/۰۵)	VIT3	۰/۵۳(۰/۰۶)	LS2	۰/۶۵(۰/۰۲)	ES3
۰/۵۱(۰/۰۵)	VIT4	۰/۵۱(۰/۰۴)	LS3	۰/۷۷(۰/۰۳)	ES4
۰/۷۹(۰/۰۶)	VIT5	۰/۶۳(۰/۰۶)	LS4	۰/۶۹(۰/۰۵)	ES5
۰/۵۵(۰/۰۳)	VIT6	۰/۸۹(۰/۰۵)	LS5	۰/۶۸(۰/۰۵)	ES6
		۰/۶۵(۰/۰۴)	LS6	۰/۷۴(۰/۰۶)	ES7

* یادداشت: مقادیر درون پرانتز خطای استاندارد برآورد است.

مربع بارهای عاملی نشان‌دهنده مقدار واریانس تبیین‌شده هر متغیر توسط متغیر پنهان (عامل) است، که در مدل احساس بیگانگی در فضای شهری این واریانس مقادیر معنادار و اطمینان‌بخش بین ۰/۲۶ تا ۰/۷۶ را شامل می‌شود. مفروضه مهم مدل احساس بیگانگی در فضای شهری چند بعدی بودن آن است، برای بررسی بهتر این مفروضه همبستگی بین عامل‌های مدل برآورد شده است. جدول ۵ مقادیر این همبستگی‌ها را نمایش می‌دهد.

جدول ۵: مقادیر همبستگی بین عامل‌های مدل احساس بیگانگی در فضای شهری

Table 5: Correlation Values between Factors of the Model of Alienation in Urban Space

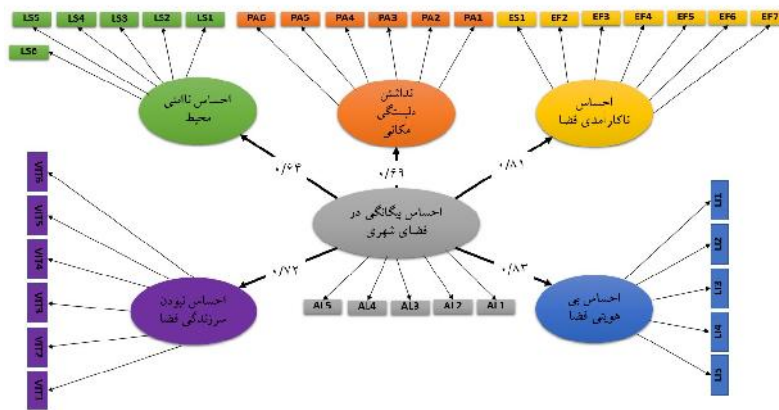
عامل‌ها					عامل‌ها
Factors					
ث	ت	پ	ب	الف	
				۱	احساس ناکارآمدی فضا (الف)
			۱	۰/۷۳	احساس بی‌هویتی فضا (ب)
		۱	۰/۶۱	۰/۶۵	نداشتن دل‌بستگی مکانی (پ)
	۱	۰/۷۱	۰/۶۸	۰/۶۲	احساس ناامنی محیط (ت)
۱	۰/۳۹	۰/۵۲	۰/۴۲	۰/۳۱	احساس نبودن سرزندگی (ث)

همبستگی‌های تعریف شده در مدل احساس بیگانگی در فضای شهری (شکل ۱) مثبت بوده در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند. این مقادیر مفروضه چند بعدی بودن مدل را مورد تأیید قرار می‌دهند. مفروضه دیگر مدل احساس بیگانگی در فضای شهری، سلسله مراتبی بودن آن است. با بررسی مسیرهای بین عامل مرتبه دوم (احساس بیگانگی در فضای شهری) و عامل‌های مرتبه اول می‌توان این مفروضه را نیز مورد بررسی قرار داد. مطابق با شکل ۱ از عامل مرتبه دوم پنج مسیر به عامل‌های مرتبه اول ترسیم شده است، جدول ۶ مقادیر ضرایب مسیر به همراه مقدار خطای استاندارد برآورد آن نمایش می‌دهد.

جدول ۶: ضرایب مسیر بین عامل مرتبه دوم و عامل‌های مرتبه اول مدل احساس بیگانگی فضایی شهر
Table 6: Path Coefficients between the Second-Order Factor and the First-Order Factors of the City Spatial Alienation Model

S.E	مقدار ضریب مسیر	مسیرها
S.E	Path Coefficient Value	Paths
۰/۰۴	۰/۸۱	احساس بیگانگی فضایی → احساس ناکارآمدی فضا
۰/۰۳	۰/۸۳	احساس بیگانگی فضایی → احساس بی هویتی فضا
۰/۰۵	۰/۶۹	احساس بیگانگی فضایی → نداشتن دلبستگی مکانی
۰/۰۵	۰/۶۴	احساس بیگانگی فضایی → احساس ناامنی محیط
۰/۰۶	۰/۷۲	احساس بیگانگی فضایی → احساس نبودن سرزندگی

مطابق با خطای استاندارد برآورد در جدول ۶ تمامی ضرایب مسیر در سطح ۰/۰۱ معنادار و اطمینان بخش هستند. آن‌طور که مربع این ضرایب نشان می‌دهد عامل مرتبه دوم یعنی احساس بیگانگی فضایی همان میزان قابل توجهی از واریانس عامل‌های مرتبه اول را تبیین می‌کند. این مقادیر شواهد مثبتی را برای تأیید مفروضه سلسله مراتبی بودن مدل احساس بیگانگی فضایی فراهم می‌آورند. شکل ۳ مدل ساختاری احساس بیگانگی در فضای شهری را نمایش داده است.



شکل ۳: مدل ساختاری احساس بیگانگی در فضای شهر

Figure 3: Structural Model of the Feeling of Alienation in Urban Space

از بررسی شاخص‌های برازش مطلق، تطبیقی و ایجاز بین جنسیت زنان و مردان به منظور ارزیابی برازش مدل احساس بیگانگی در فضای شهر استفاده شد. شاخص‌های گزارش شده در جدول ۷ نشان می‌دهد، که مدل احساس بیگانگی در فضای شهر با داده‌های تجربی گردآوری شده برازش قابل قبولی دارند. مقادیر داخل پرانتز سطح اطمینان P با درجه آزادی ۷۶۴ است.

جدول ۷: مقدار شاخص‌های برازش برای مدل احساس بیگانگی در فضای شهر در گروه‌های مختلف
Table 7: The Value of the Fit Indices for the Model of Feeling of Alienation in the City Space in Different Groups

مردان	زنان	در کل نمونه	شاخص برازش
Men	Women	Total Sample	Fit Index
(۰/۰۰) ۳۸۷۳/۶۴	(۰/۰۰) ۴۰۲۱/۱۱	* (۰/۰۰) ۴۳۳۱/۳۸	χ^2
۰/۹۵۴	۰/۹۱۸	۰/۹۳۲	AGFI
۰/۰۷۱	۰/۰۶۲	۰/۰۶۸	RMR
۰/۹۲۳	۰/۹۶۶	۰/۹۲۸	CFI
۰/۹۵۹	۰/۹۷۱	۰/۹۵۸	TLI
۰/۵۲۸	۰/۵۱۹	۰/۶۲۱	PNFI
(۰/۴۶) ۰/۰۴۱	(۰/۸۳) ۰/۰۳۹	** (۰/۳۳) ۰/۰۴۴	RMSEA

آن گونه که شوماخر و لوماکس (۲۰۱۷)، خاطر نشان کرده‌اند، دستیابی به معیار دقیق مربع خبی (مقادیر غیر معنادار مربع خبی) در بسیاری از موارد از جمله برای نمونه‌های بزرگ دشوار به نظر می‌رسد. مقدار مربع خبی بدست آمده برای مدل احساس بیگانگی در فضای شهر نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. سایر شاخص‌های برازش در گروه‌های مختلف مقادیر مطلوب را کسب کرده‌اند.

سنجش روایی و پایایی مدل احساس بیگانگی در فضای شهر

مقادیر معنادار بار عاملی، همچنین واریانس‌ها و کواریانس‌های برآورد شده نشانه‌های اولیه از روایی و پایایی مطلوب مدل هستند، و البته زمینه‌ای را برای سنجش روایی همگرا و پایایی ترکیبی فراهم می‌کنند. آن گونه که بیکن، سائور و یونگ (۱۹۹۵)، تأکید داشته‌اند، مقادیر پایایی ترکیبی بیش از ۰/۷ اطمینان‌بخش هستند، کمترین مقدار ضریب پایایی ترکیبی ۰/۶۹ متعلق به عامل احساس ناامنی محیط و بیشترین آن ۰/۸۱ متعلق به عامل احساس نبودن سرزندگی است. روایی همگرا در مدل با استفاده از میانگین واریانس استخراج شده هر عامل مورد بررسی قرار گرفته است، مقادیر گزارش شده در جدول ۷، میزان مطلوب (بیش از ۰/۵) را برای میانگین واریانس استخراج شده هر عامل به نمایش گذاشته است.

جدول ۸: میانگین واریانس استخراج شده و پایایی ترکیبی عامل‌های مدل

Table 8: Mean Extracted Variance and Composite Reliability of Model Factors

نام عامل	میانگین واریانس استخراج شده	ضریب پایایی ترکیبی
<i>Factor Name</i>	<i>Mean Variance Extracted</i>	<i>Composite Reliability Coefficient</i>
احساس ناکارآمدی فضا	۰/۵۷	۰/۷۶
احساس بی‌هویتی فضا	۰/۵۳	۰/۸۱
نداشتن دلبستگی مکانی	۰/۵۸	۰/۷۴
احساس ناامنی محیط	۰/۵۹	۰/۷۲
احساس نبودن سرزندگی	۰/۵۶	۰/۶۹
احساس بیگانگی فضای شهری	۰/۵۲	۰/۷۵

از شاخص *ECVI* به منظور سنجش روایی متقاطع دو مرحله‌ای استفاده شد. در مرحله اول از داده‌های گروه زنان به عنوان نمونه معیار و داده‌های مردان به عنوان نمونه اعتبار استفاده گردید، پس از انجام محاسبه، مقدار *ECVI* برابر ۶/۴۲ به دست آمد، در مرحله دوم جای

گروه‌های معیار و اعتبار عوض شده و این بار شاخص *ECVI* برابر ۶/۳۵ به دست آمد. شواهد ارائه شده در بالا نشان می‌دهند که یک مدل مناسب با ساختار قوی (روایی ساختاری مطلوب) ایجاد شده است.

سنجش روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهر

وضوح و گویایی سؤال‌های پرسشنامه از طریق شاخص نمره تأثیر سؤال مورد بررسی قرار گرفت. پیش از اجرای نهایی پرسشنامه در نمونه اصلی از ۳۰ شهروند تقاضا شد به سؤال‌ها نمره ۱ تا ۵ بدهند. نمره تأثیر سؤال‌ها از ۰/۷۱ تا ۲/۶۸ تغییر کرد. تنها دو سؤال دارای نمره تأثیر زیر ۱/۵ بودند، بازبینی دوباره سؤال‌ها، مشخص کرد که در آنها استفاده از اصطلاحات ناملموس، و جملات نسبتاً طولانی در کنار افعال مجهول باعث ایجاد ابهام در سؤال‌ها شده بود. هر دو سؤال برای نسخه نهایی پرسشنامه ویرایش شدند. متخصصان برنامه‌ریزی شهری کیفیت ارتباط مفهومی و محتوایی بین سؤال‌ها و عامل‌ها را مورد ارزیابی قرار دادند، کمترین مقدار شاخص *I-CVI* محاسبه شده برای سؤال‌ها ۰/۸۴ و بیشترین آن ۰/۹۱ بود. از نظر متخصصان سؤال‌های پرسشنامه ارتباط مفهومی و محتوایی قابل قبولی با عامل‌ها داشتند.

پایایی پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهر

همسانی درونی پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهر به کمک ضریب پایایی آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. کورتینا (۱۹۹۳)، مقدار اطمینان بخش برای آلفای کرونباخ را بین ۰/۷ تا ۰/۸ پیشنهاد کرده است، که البته مقادیر بیشتر از ۰/۸ موجب اندازه‌گیری دقیق‌تر می‌شود. جدول ۸ آلفای کرونباخ مربوط به عامل‌های پرسشنامه را نمایش می‌دهد.

جدول ۹: ضریب آلفای کرونباخ برای عامل‌های پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهر

Table 9: Cronbach's Alpha Coefficient for the Factors of the Questionnaire on Feeling of Alienation in the City Space

عامل	آلفای کرونباخ
Factor	Cronbach's Alpha
احساس ناکارآمدی فضا	۰/۸۳
احساس بی‌هویتی فضا	۰/۷۹
نداشتن دلبستگی مکانی	۰/۷۴
احساس ناامنی محیط	۰/۸۶
احساس نبودن سرزندگی	۰/۷۷
احساس بیگانگی فضای شهری	۰/۸۶

ضریب پایداری عامل‌ها نشان از دقت کافی عامل‌ها در اندازه‌گیری احساس بیگانگی در فضای شهر دارد. برای محاسبه ضریب پایداری کلی پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهر از ضریب آلفای طبقه‌بندی شده^۱ (Rae, 2008; Feldt & Brennan, 1989) استفاده شد. مقدار آلفای طبقه‌بندی شده برای پرسشنامه احساس بیگانگی در فضای شهر ۰/۷۸ است که اطمینان بخش و مطلوب است.

بحث و نتیجه‌گیری

بیگانگی شهری عبارت است از شکل‌گیری وضعیت روحی که در آن شهرنشینان نسبت به خودشان، محیط‌های اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و تاریخی اطراف احساس جدایی می‌کنند. احساس بیگانگی بخش مهمی از فضای عمومی است و فضای عمومی نیز بخش وسیعی از زندگی شهری است. احساس بیگانگی نسبت به فضای شهری سازه تازه‌ای است که در این پژوهش سعی شده است به بازتعریف آن در برنامه‌ریزی شهری پرداخته شود. فقدان احساس بیگانگی در فضای شهر مجال ارتباط و پیوند اجتماعی را برای ساکنان فراهم می‌آورد و تشدید آن باعث فرسایش انسجام شهر و همچنین سبب عدم مشارکت شهروندان در مسائل شهری و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی مانند کاهش احساس امنیت، وندالیسم اجتماعی، انزوا، عدم اعتماد می‌گردد. پژوهش حاضر نشان داد که احساس بیگانگی در فضای شهری شامل پنج عامل احساس ناکارآمدی فضا، احساس بی‌هویتی فضا، نداشتن دلبستگی مکانی، احساس ناامنی محیط، و احساس نبودن سرزندگی در فضا هستند، مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش نشان داد که این عوامل در ساختاری منسجم مطابق با چهارچوب‌های نظری تعریف شده‌اند. مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که این مدل مفهومی با داده‌های جامعه شهری تطابق و برازش دارد.

احساس بیگانگی در فضای شهر، همانند ساختاری زیر بنایی موجب شکل‌گیری احساس ناکارآمدی در فضای شهر می‌شود، وجود املاک متروکه و مخروبه، گسترش اراضی بایر داخل شهر، تبدیل محیط شهر به محوطه‌های آلوده و رها شده، رها کردن تأسیسات و فضاهای شهری، ایستگاه راه‌آهن و اتوبوس غیر فعال و مستعمل، وجود پمپ بنزین متروکه یا اماکن مشابه آن موجب ایجاد کاربری‌های ناسازگار با شهر و محیط زیست که خود علت اصلی ناکارآمدی فضاهای شهری است. ناکارآمدی فضاهای شهری علاوه بر آزار بصری چشم‌انداز

^۱ stratified alpha

فضاهای شهر، و کاهش بهره‌وری موجب ایجاد و تشدید احساس بیگانگی از فضاهای شهری خواهد شد.

ادراک هویت فضا، فرآیندی اساسی در رفتار و هویت انسان است که جنبه‌های شناختی، عاطفی، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی وجود انسان را در برمی‌گیرد. در این میان بعد فضایی شهر یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند هویت انسان را تغییر داده و یا اصلاح کند. درک فضای شهر و احساسی که شهروندان نسبت به اماکن و فضاهای شهری دارند، موجب شکل‌گیری هویت شهری فرد شده و چگونگی این شکل‌گیری و نوع آن، ادراک مشخصی در فرد از فضای شهر ایجاد می‌کند که این ادراک بیگانگی یا عدم بیگانگی شخص را با فضای شهری مشخص خواهد کرد. به طوری که احساس بیگانگی از فضای شهر می‌تواند بخشی از هویت و ادراک شهروندان باشد. نداشتن حس مطلوب نسبت به فضای شهر، نبودن اصالت و معنا در فضای شهری برای شهروند، نبود یا عدم دریافت اطلاعات ادراکی از فضای شهر توسط شهروندان، از بین رفتن نماها و نشانه‌های خاطره‌انگیز شهر، ناسازگاری ساختار شهر با هویت فرهنگی شهروندان، مهم‌ترین زمینه‌هایی است که هویت شهری را برای شهروندان از بین می‌برد. نامطلوب عناصر هویتی شهر، و یا فقدان برخی عناصر مثبت موجب شکل‌گیری هویتی شهری می‌شود که با شهر و فضای آن بیگانه است، این هویت بیگانه و ناسازگار، احساس بیگانگی از فضای شهری را ایجاد و یا تشدید خواهد کرد.

دلبستگی مکانی، پیوندی میان شخص و فضای شهر است. احساس بیگانگی نسبت به فضاهای شهری، احساس و هیجان‌های متعددی را در شهروندان ایجاد و یا تشدید می‌کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها دلبستگی فضایی است. بسیاری از ویژگی‌های فضای شهری مانند ضعف در طرح کالبدی و چیدمان فضاها، پایین بودن سطح آسایش اقلیمی و زیست‌محیطی، کمبود فضای سبز و پوشش گیاهی، طراحی نابهنجار و ناسازگار فضای شهر، ناامنی شهری همه مواردی هستند که موجب کاهش دلبستگی فضایی شهروندان می‌شوند. جدایی مادی و معنوی شهروندان از فضای شهری به دلیل مشکلات شهری، زیست‌محیطی، و طراحی شهر همان احساس بیگانگی شهروندان نسبت به فضای شهری است که خود موجب ایجاد و یا تشدید احساس عدم دلبستگی به مکان و فضای شهری می‌شود. انزوای اجتماعی ساکنان شهر، ناخشنودی آن‌ها از مدیریت شهری، حضور کم آن‌ها در فضاهای شهری، سرباز زدن از مشارکت در مدیریت شهر، نارضایتی شهروندان از سیاست‌های فضایی شهر همه ناشی از احساس بیگانگی در فضای شهری است.

احساس بیگانگی در فضای شهری نمود دیگری نیز در شهر دارد و آن احساس ناامنی در فضای شهر است. احساس امنیت نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت در شهروندان است که برای آن‌ها رضایت بخش و قانع‌کننده است شهروندان نسبت به فضاهای شهر، طراحی و کاربری آن‌ها، احساس امنیت یا عدم امنیت دارند. جدایی شهروندان چه به لحاظ روحی و چه به لحاظ جسمی از فضای شهر موجب تضعیف احساس امنیت آن‌ها در فضاهای شهری می‌شود. وجود فضاهای بی‌دفاع در شهر، عدم نورپردازی مناسب و تاریکی فضا، آلودگی محیطی، نبود نمادها و عنصرهای اطلاعاتی در شهر، عدم دسترسی به حمل و نقل عمومی، وجود فضاهای بی‌کران و خالی و اضطراب‌آور، خیابان‌های شلوغ و مملو از جمعیت همگی موجب تشکیل و قوت گرفتن احساس بیگانگی شهروندان از فضای شهری می‌شود.

احساس بیگانگی در فضای شهر، به تنهایی می‌تواند سرزنده بودن شهر و شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد. فضای شهر وقتی سرزنده است که به‌طور مداوم شهروندان مشتاق حضور در شهر باشند، از امکانات آن بهره برده و خستگی و خمودگی کمتری از طریق فضاهای شهری به شهروندان منتقل گردد. عوامل کالبدی همچون فضای سبز مناسب، وجود امکانات رفاهی (سطل زباله، توالت عمومی و ...)، وجود نشیمنگاه‌ها، نبود فواره‌ها و آب نماها، کمبود فضای پارکینگ، در کنار عوامل فضایی مانند پیوند و اتصال شبکه دسترسی و حمل و نقل، پیوند و اتصال توده و فضا، طراحی مناسب فضاهای شهری موجب کاهش احساس بیگانگی نسبت به فضاهای شهری شده و کاهش بیگانگی با فضای شهر موجب تقویت احساس سرزندگی در فضای شهری می‌شود.

احساس بیگانگی در فضاهای شهری یعنی جدایی شهروندان از مکان‌ها، فضاها، معابر، و کالبد فیزیکی شهر است که احساس ناکارآمدی فضا، احساس بی‌هویتی فضا، احساس عدم دلبستگی به مکان، و نداشتن احساس سرزندگی در فضاهای شهری را در پی خواهد داشت. شناخت احساس بیگانگی در فضاهای شهر، و ابعاد متفاوت آن بستر مناسبی را برای جامعه‌شناسان شهری، برنامه‌ریزان حوزه شهر، و طراحان شهری ایجاد می‌کند تا به کمک آن فضاهایی را طراحی کنند که ضمن داشتن امنیت کافی و ایجاد دلبستگی برای شهروندان احساس کارآمدی فضای شهر را در آن‌ها تقویت کرده و سبب سرزندگی بیشتر شهر شوند. نمونه‌گیری پژوهش از نوع در دسترس بوده و عدم انتخاب تصادفی شهروندان باعث شده تا تعمیم نتایج این پژوهش کمی با احتیاط صورت بگیرد. انتخاب اهواز به‌عنوان جامعه پژوهش نیز از مهم‌ترین محدودیت‌های بخش‌های کمی و کیفی پژوهش است. موقعیت خاص جغرافیایی، وضعیت اقتصادی، و تکرر قومی در اهواز ممکن است تا حدودی روی نتایج کسب

شده در این پژوهش تأثیرگذار باشد. پیشنهاد پژوهشگران بررسی مجدد مدل احساس بیگانگی در فضای شهری متفاوت‌تر و همگن‌تر است. با وجود محدودیت‌ها در انجام این مطالعه، پژوهشگران این مطالعه به این نتیجه رسیده‌اند که احساس بیگانگی در فضای شهری می‌تواند مبین احساس‌های مخرب و آزاردهنده در سطح شهر مانند دل‌زدگی، ناامنی، عدم سرزندگی و حس ناکارآمدی شهر باشد، که پیامد آن وندالیسم، مهاجرت، و زوال شهری در طول زمان خواهد بود. پیشنهاد صریح این پژوهش توجه بیشتر سیاست‌گذاران و طراحان شهری به مؤلفه‌ها، عوامل پدیدآورنده، و پیامدهای احساس بیگانگی در فضای شهری بوده و توجه هر چه بیشتر آنها به تفاوت‌های فردی و شکاف‌های جنسیتی می‌تواند باعث کاهش و کنترل این احساس در فضای شهر شود که خود سرزندگی، امنیت، و کارآمدی بیشتر شهر را در پی خواهد داشت. کاهش فضاهای جنسیت زده در شهر، هوشمندسازی فضا، و حرکت به سمت ریز شبکه‌های شهری از مهم‌ترین راهکارهای کاهش احساس بیگانگی در فضاهای شهری است.

References:

Adhami, J. (2018). "Factors affecting social and cultural alienation among students of Islamic Azad University, Sanandaj Branch", *Iranian Social Issues*, 9th year, issue 1, spring and Summer, pp. 5-27. (Persian).

Bacon, D. R., Sauer, P. L., & Young, M. (1995). Composite Reliability in Structural Equations Modeling. *Educational and Psychological Measurement*, 55(3), 394-406. <https://doi.org/10.1177/0013164495055003003>.

Bin Bishr, A. (2019). *Happy Cities Agenda, Global Happiness and Wellbeing Policy Report 2019*, Chapter 7: 112-139.

Carmen, M. (2020). "The more-than-human right to the city: A multispecies reevaluation", *Journal of Urban Affairs*, Published online: 03 Apr 2020.

Cortina, J. M. (1993). "What is coefficient alpha? An examination of theory and applications", *Journal of Applied Psychology*, 78(1), 98-104. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.78.1.98>.

Feldt, L. S., & Brennan, R. L. (1989). Reliability. In *Educational measurement*, 3rd ed. (pp. 105-146). American Council on Education.

Goussous, J., & Tayoun, L. (2020). "A Holistic Approach to Slum Reduction: Finding Gaps in Cairo's 'How-to-Deal' model with International Collected Experience", *Cities & Health*, 31(4), 1-15.

Halek, M., Holle, D., & Bartholomeyczik, S. (2017). "Development and evaluation of the content validity, practicability and feasibility of the Innovative dementia-oriented Assessment system for challenging behaviour in residents with dementia", *BMC Health Services Research*, 17(1), 554. <https://doi.org/10.1186/s12913-017-2469-8>.

Hashem Sahan, A. (2021). "Alienation in the urban structure and its impact on the individual and society", *Journal of Legal, Ethical and Regulatory Issues*. (Persian).

Hurubeana, A. (2013). *Gender Equality Policies, Social Citizenship and Democratic Deficit in the Post-communist Romanian Society* - Lumen International Conference Logos Universality.

Kline, R. B., & Little, T. D. (2016). Principles and practice of structural equation modeling. Guilford Press.

Lacasse, Y.; Godbout, C.; & Series, F. (2002). "Health-related quality of life in obstructive sleep apnoea", *European Respiratory Journal*, 19(3), 499. <https://doi.org/10.1183/09031936.02.00216902>.

Madanipour, A., Shucksmith, M., & Brooks, E. (2021). "The concept of spatial justice and the European Union's territorial cohesion", *European Planning Studies*, 1-18.

Mendonca, R., Roebeling, P., Martins, F., Fidelis, T., Teotonio, C., Alves, H., & Rocha, J. (2020). Assessing Economic Instruments to Steer Urban Residential Sprawl, Using a Hedonic Pricing Simulation Modelling Approach. *Land Use Policy*, 92, 104458.

Mirzahosseini, S.; Ahmadi, M.; Zaker Haghghi, K. (2021). "Assessment of livability based on variables of sense of belonging to place (case study: Region 1 of Tehran metropolis)", *Research on the Geography of Urban Planning*, Vol. 9, Issue 2. pp. 361-385. (Persian).

Mulaik, S. A. (2009). Linear causal modeling with structural equations. Chapman & Hall/CRC.

Mulaik, S. A. (2010). Foundations of factor analysis. Chapman & Hall-CRC.

Schumacker, R. E., & Lomax, R. G. (2016). A Beginner's Guide to Structural Equation Modeling : Fourth Edition. Taylor and Francis. <https://public.ebookcentral.proquest.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=4443646>.

Seeman, M. (1959). "On the Meaning of Alienation", *American sociological Review*, 24: 783-791.

Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2019). Using multivariate statistics. Pearson. <http://queens.ezpl.qub.ac.uk/login?url=http://ebookcentral.proquest.com/lib/qub/detail.action?docID=5581921>.

Yousefi, A.; Mohammadi, F.; Mirzaei, A. (2018). "Forms of urban alienation in the view of urban sociologists", *Sociological Studies*, Vol. 52, Issue 2: pp. 481-504. (Persian).

Zayari, K.; Torkamanniya, N. (2019). "Evaluating women use of urban transport system (Case study: 6th. district of Tehran)", *Urban - Regional Studies and Research Journal*, Vol. 5, No. 19, pp. 149-168. (Persian).

Modellin and Measuring the Alienation Feeling in the Ahvaz Urban Space

Maryam Azadbakht¹, Saeed Amanpour (Ph.D)²
Mustafa Mohammadi Dah Cheshme (Ph.D)³, Mojtaba Jahanifar (Ph.D)⁴

DOI: 10.22055/QJSD.2024.42449.2750

Abstract:

The material and spiritual separation of citizens from urban spaces creates an alienation feeling from the city. In this research, an attempt has been made to identify different dimensions of alienation feeling in urban spaces. This research has a practical purpose, and the sequential exploratory mixed method, with the grounded theory approach. In the qualitative phase, the basic components of the alienation feeling were extracted, and a conceptual model of alienation feeling in space was presented. Then, with the hierarchical confirmatory factor analysis, the collected data were fitted with the conceptual structure. Ahvaz citizens was used for the research population, and with stratified sampling, 610 Ahvaz citizens participated. The presented conceptual model is defined by five factors: the attachment to space feeling, the ineffectiveness of space feeling, the liveliness in space feeling, the space insecurity feeling, and the lack of identity in space feeling. Quantitative results showed that the proposed model has a good fit with the experimental data and its structural validity is favourable. The analysis of gender multiple groups showed that structural coefficients and correlation coefficients work differently for women and men. Researchers consider it strategic and useful to conceptualize the alienation feeling in the urban space in a multi-dimensional way, which is based on a lack of identity, insecurity, inefficiency, and lack of vitality, and they advise urban planners to consider this feeling and its causal factors and pay attention to the context of its creation in the urban space design and metropolitan policies.

Key Concepts: *Sense of Alienation, City Space, Structural Modeling, Ahvaz City*

¹ PhD Student of Geography and urban planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author), m-azadbakht@stu.scu.ir

² Associate Professor, Department of Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, amanpour@scu.ac.ir

³ Assistant professor of Geography and Urban planning department; Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, m.mohammadi@scu.ac.ir

⁴ Assistant Professor in Educational Assessment Department of Education, Faculty of Education and Psychology Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, m.jahanifar@scu.ac.ir

